

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا

مریم علیمرادی*^۱ بهجت نجیبی فینی^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۹)

چکیده

ادبیات عامه یا همان ادبیات شفاهی، پیشینه ادبیات مکتوب است و ناقلان آن‌ها ضمیر پاک و باصفای مردمانی است که سواد خواندن و نوشتن را نداشتند و جنبه ماندگاری آن، انتقال سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر بوده است. بخشی از ادبیات عامه و شفاهی، «ترانه‌های عروسی» است که در منطقه‌های مختلف کشور به نام‌های مختلفی از آن یاد می‌شود. در شهرستان فسا این نوع ادبی با عنوان «آسونک یا واستونک» شناخته شده است. مقاله حاضر به بررسی ساختار نحوی این نوع از ادبیات شفاهی از نظر نوع و اجزای جمله، در فرهنگ عامه مردم فسا می‌پردازد. به همین منظور پژوهشگران، ابتدا به صورت میدانی و مصاحبه با زنان سال‌خورده و ترجیحاً بی‌سواد، تعداد ۱۲۷ آسونک از فرهنگ عامه مردم فسا، جمع‌آوری و آوانویسی، آن‌گاه این آسونک‌ها را از لحاظ ساختار نحوی (نوع و اجزای جمله) بررسی کرده‌اند. بر مبنای تحلیلی که در ۱۲۷ آسونک بر اساس نرم‌افزار اس. پی. اس. ۲۵ انجام شد. نتیجه به دست آمده، نشان می‌دهد، بسامد جمله‌های ساده از مرکب بیشتر است و در بیشتر جمله‌های مرکب، حروف هم‌پایه یا وابسته آن به دلیل ریتم و آهنگ شعر حذف است و بعد از تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهارجزئی بیشترین و کم‌ترین بسامد را در آسونک‌ها داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، فسا، واستونک، نوع و اجزای جمله.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسئول)

*b12alimoradi@yahoo.com

۲. مدرس مدعو زبان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور بندرعباس.

۱. مقدمه

۱ - ۱. بیان مسئله

ادبیات عامه گونه‌ای از ادبیات است که معرف فرهنگ یک جامعه، قوم یا ملت است. بخش گسترده‌ای از فرهنگ و هنر ما، جدای از ادبیات رسمی، بر عهده ادبیات عامه است که از ابتدای خلقت بشری تاکنون هم‌مسیر با دیگر بخش‌های ادبی به راه خود ادامه و سهمی از ادبیات و ذهن و ضمیر مردمان را به خود اختصاص داده است. این نوع ادبی دانشی است که از معلومات و دانش مردم عامی صحبت می‌کند.

مجموع دانستنی‌ها و آداب و رسوم، اعتقادات، خرافات، احساسات، عواطف و آنچه زندگی مادی و معنوی و خصایص ذوقی و روحی توده مردم را دربر می‌گیرد و عامه مردم از گهواره تا گور با آن سروکار دارند و توسط آن‌ها احاطه شده‌اند، جزو همین فولکلور (folklor) یا به تعبیر دیگر فرهنگ مردم محسوب می‌شوند که در میان دانش‌های تازه جایگاه والایی دارد (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۱).

ادبیات عامه یا همان ادبیات شفاهی، پیشینه ادبیات مکتوب است و باید به این حوزه از جمع‌آوری فرهنگ کشورمان اهتمام جدی ورزید. این دسته از ادبیات شفاهی که به جنبه کتابت آن کم‌تر توجه شده و پیوسته از سوی افرادی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند از روزگار گذشته تاکنون سینه به سینه نقل شده، حاوی بسیاری از نکته‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است که در معرض خطر نابودی است. هرچند که امروزه پژوهش‌هایی در زمینه ادبیات عامه و فولکلوریک صورت می‌پذیرد؛ اما هم‌چنان، کار پراهمیتی انجام نشده است. بنابراین، لازم است که در هر زمینه از ادبیات شفاهی کشورمان - که خود شناخت زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی هر قوم را به دنبال دارد و یاریگر ما در کشف بهتر آرا و عقاید و آداب و رسوم اجداد و نیاکانمان است - توجه بیشتری داشته باشیم و جدی به آن بپردازیم. «با توجه به اینکه فولکلور مناطق هر کشوری بر غنای فرهنگ و زبان آن کشور می‌افزاید، ثبت آیین‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و باورهای هر سرزمین و شهر و ده بر تحصیل‌کردگان آن واجب است» (هدایت، ۱۳۹۴: ۴۸۶). بخشی از ادبیات عامه و شفاهی «ترانه‌های عروسی» است که در منطقه‌های مختلف کشور به نام‌های مختلفی از آن یاد می‌شود و در شهرستان فسا با عنوان «آسونک

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

یا واستونک» شناخته شده است. شهرستان فسا - که قدمتی طولانی دارد - و ادبیات عامیانه آن غنی از جهت نوع واژگان خاص و آداب و رسوم ویژه‌ای است، دارای این‌گونه ترانه‌های شادی‌بخش مراسم عروسی از قرن‌های گذشته است. «واستونک‌ها دسته‌ای از ترانه‌های ویژه مراسم عروسی است و در تمام لحظه‌های فرخنده ازدواج از خواستگاری تا عروسی به انحای مختلف خوانده می‌شود و اغلب به صورت گروهی و با کف‌زدن و پای‌کوبی و دست‌افشانی همراه است» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۱۲۴) و جزئی از بومی سروده‌ها به‌شمار می‌آیند. «بومی سروده‌ها به اشعاری گفته می‌شوند که شاعران محلی با استفاده از فرهنگ واژگان و درون‌مایه‌های بومی منطقه خود آن را می‌سرایند، این ترانه‌ها در ادبیات شفاهی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا ما را با مفاهیم و اندیشه‌های متعالی آنان آشنا می‌سازند» (ذوالفقاری و احمدی کمربشتی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). واستونک‌ها مفاهیمی همچون سرور و شادمانی، دغدغه خرج و مخارج ازدواج، سازش‌پذیری عروس با شوهر و بستگانش بعد از ازدواج و برشمردن اوصاف نیک عروس و داماد و ... را دربر دارند و «بیانگر دردها و عقاید توده مردم هستند» (همایونی، ۱۳۵۶: ۸) و بنا به منطقه و اقلیم خاص سرایندگان آن، می‌تواند حاوی واژگان خاص آن منطقه و آداب و رسوم آن اقلیم باشد. این نوع از ترانه‌های محلی که به زبانی ساده سروده شده‌اند، وظیفه حفظ و صیانت از آن ضروری است. این تحقیق که به صورت میدانی و با ضبط صداست، واستونک‌ها را از نظر ویژگی‌های نحوی، هم نوع جمله‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و هم اجزای آن‌ها از جهت چندجزئی بودن، بررسی و ارزش‌زبانی آن‌ها مشخص شده است که این نوع از بیت‌های ساده شعری از جهت دستور زبان ساخت‌گرا چگونه‌اند تا شناخت بهتر و بیشتر ساختار این دسته از ادبیات شفاهی برای ما و دستداران فرهنگ و ادب عامه، مکشوف و مشخص شود. درواقع، مسئله اصلی تحقیق و هدف نهایی پژوهش، در کنار شناسایی فرهنگ عامه واستونک‌ها، توجه به نحوه دستوری آن‌ها از دو جنبه ذکر شده است.

۱ - ۲. پرسش‌های تحقیق

هرچند که پرسش اصلی تحقیق، ساختار نحوی واستونک‌هاست؛ اما به دلیل عدم آشنایی همه مخاطبان با این نوع از فرهنگ عامه لازم است قبل از پرداختن به موضوع اصلی به شناسایی آن بپردازیم. بنابراین، در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم.

۱. واستونک چیست و جزء کدام نوع ادبی است؟

۲. از نظر ساختار نحوی، جمله‌های واستونک‌ها بیشتر ساده یا مرکب‌اند؟

۳. از نظر ساختار نحوی، اجزای جمله‌های واستونک‌ها بیشتر چند جزئی‌اند و این نوع از نحو بیانگر چه مطلبی است؟

۴. حروف هم‌پایه و وابسته، در جمله‌های مرکب واستونک‌ها به چه صورت‌اند؟

۱ - ۳. روش و هدف از پژوهش

روش کار در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و بر اساس مصاحبه با افراد مسن و ترجیحاً بی‌سواد است. ابزار گردآوری مصاحبه و کتابخانه‌ای است. در نوشتار حاضر، هدف اصلی حفظ و آشنایی بهتر با گوشه‌ای از فرهنگ مردم شهرستان فسا از گذشته‌های دور تاکنون در زمینه ادبیات شفاهی واستونک‌هاست که در حوزه ادبیات رسمی و کتاب‌های ادبی نمی‌توان اطلاعات زیادی از این گونه فرهنگ‌ها به دست آورد و این مهم، تنها از طریق ضمیر و صفای باطنی مردم و کلام شفاهی آنان دست‌یافتنی است و هدف فرعی این پژوهش به ساختار نحوی واستونک‌های شهرستان فسا از جنبه ساده و مرکب و چندجزئی بودن جمله‌های آن نظر دارد که پس از جمع‌آوری واستونک‌ها به صورت شفاهی و ضبط صدا، بررسی و تبیین شده‌اند و از جهت حفظ جنبه بومی بودن آن، همه واستونک‌ها آوانگاری شده‌اند. در اینجا به دلیل حجم بالای واستونک‌ها، به تعداد محدودی از آن‌ها بسنده می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

درخصوص پیشینه تحقیق باید یادآور شویم، از نخستین کسانی که به اهمیت فرهنگ عوام و شناخت خلق و خوی و روش و منش قومی توجه کرد، صادق هدایت است و بعد

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

از وی نویسندگانی همچون قائم مقام فراهانی، حاج فرهاد میرزای معتمدالدوله، امیرنظام گروسی، دهخدا، ایرج میرزا، عارف، عشقی، فرخی یزدی، بهار، و بسیار کسان دیگر از اهل ادب بعد از انقلاب مشروطیت از زبان و ادب و گاه فرهنگ عوام برای پیش‌برد مقاصد و تأمین مدعای خود استفاده کردند که نوع استفاده آنان سود جستن هنرمندانه و شاعرانه از این گنجینه است نه کار تحقیقی (ر.ک: محبوب، ۱۳۸۲: ۲۱۳). این بزرگواران زمینه را برای پژوهش‌های بهتر و بیشتر فراهم آوردند. در این بین، کارهای پژوهشی محبوب دارای اهمیت ویژه‌ای و منبع بسیار خوبی در زمینه ادبیات عامه برای پژوهشگران این نوع ادبی است که محققان با توجه به این منبع سترگ و ستودنی، در ادامه کار به دیگر پژوهش‌هایی در زمینه ادب عامه دست یافتند. هرچند که در دهه‌های اخیر اقبال و توجه بیشتری نسبت به گردآوری ادبیات عامه و شفاهی بین پژوهشگران ایجاد شده و گام‌هایی در این راه برداشته‌اند؛ اما هم‌چنان در زمینه این دسته از ادبیات شفاهی «واستونک‌های استان‌های مختلف، از جمله استان فارس و شهرستان فسا، گام‌های اساسی در زمینه نحو آن برداشته نشده است و پژوهشگران محققان بیشتر به جمع‌آوری و نهایت، درون‌مایه‌های آن پرداخته‌اند، تلاش‌های ستودنی این محققان که به نوعی در محدوده موضوع این تحقیق قابل بررسی‌اند، به شرح مواردی که آورده می‌شود، آمده است:

طاهری، فاطمه (۱۳۸۱)، *ترانه‌های زندگی زنان. مجموعه واستونک‌های شیراز*، نویسنده این کتاب واستونک‌های رایج شهرستان شیراز را جمع‌آوری و آوانگاری کرده است.

همایونی، صادق (۱۳۷۹)، *ترانه‌های محلی فارس‌شناسی*، نویسنده در این کتاب به فولکلور و اهمیت و پیشینه آن و ترانه‌های محلی گذشته پرداخته است.

فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *سیری در ترانه‌های محلی فارس* که در آن اشاره‌ای به واستونک‌های شیراز کرده است.

مرادی، محمد، «معرفی وزن‌های رایج و نوع خوانش عروضی در ترانه‌های محلی فارس»، *مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، شماره ۱ که به بررسی وزن‌های عروضی ترانه‌ها و واستونک‌ها توجه داشته است.

خالقزاده (۱۳۹۰). به ترانه‌های کودکان در ادبیات محلی شیراز پرداخته است که ویژگی‌های محتوایی ترانه‌ها را معرفی کرده است. چنان‌که از پیشینه تحقیق برمی‌آید، تحقیق‌هایی که تاکنون در حوزه ترانه‌های محلی و واستونک‌ها انجام شده، بیشتر به گردآوری، تحلیل محتوا و توجه به وزن عروضی آن پرداخته‌اند و تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند تاکنون پژوهشی علمی در زمینه دستور و بررسی واستونک‌ها از نظر نحوی (نوع جمله و اجزای آن) در منطقه شهرستان فسا انجام نشده و این دلیلی است که ضرورت انجام چنین پژوهشی را تحقق می‌بخشد.

۳. مبانی نظری تحقیق

در این مبحث خلاصه‌وار به مبانی نظری پژوهش اشاره می‌شود:

۳ - ۱. فرهنگ عامه

فرهنگ عامه برگرفته از سنت‌ها، الگوهای فرهنگی، اعمال و رفتاری است که در میان توده مردم رواج دارد، پذیرفته‌اند و بدان عمل می‌کنند. فرهنگ عامه از رهگذر نقل شفاهی و سینه‌به‌سینه به دیگر نسل‌ها منتقل می‌شود. «درحقیقت، هر نسلی سنت‌های خود را از طریق ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ‌عامه به شکل شفاهی به نسل بعد منتقل می‌کند» (امین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۳۴). ادب عامه بازتاب‌دهنده بخش مهمی از فرهنگ غنی و متنوع این خطه است و گنجینه ارزشمندی برای بررسی علوم همچون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و حتی تاریخ است.

۳ - ۲. گونه‌های ادبیات عامه

گونه‌های ادبیات عامه را می‌توان در این موارد تقسیم‌بندی کرد: «۱. داستان‌های عامیانه، ۲. اشعار عامیانه، ۳. زبان عامیانه (اصطلاحات و عبارات محبت‌آمیز، اصطلاحات قراردادی، زبان تابو، ضرب‌المثل‌ها و تمثیل، چیستان، لطیفه‌ها و بذله‌گویی‌ها)» (فاضلی، ۱۳۸۱: ۸۳).

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

دومین بخش مهم ادبیات عامه فارسی را اشعار یا ترانه‌های عامه تشکیل می‌دهند که شامل مجموعه گفتارهای منظومی است که به مناسبت‌های مختلف در حین کار و فعالیت، جشن‌ها، آیین‌ها، سوگواری‌ها، در هنگام بازی و تفریح و یا برای خواباندن کودکان و سرگرم کردن آن‌ها و یا به صورت ترانه‌های محلی همراه با موسیقی سنتی خوانده می‌شوند. واستونک‌ها هم جزئی از همین اشعار عامه‌اند که در مراسم عروسی به تناسب هر مرحله و متناسب با مضمون آن بیان می‌شود.

۳ - ۳. لهجه

این گونه از ترانه‌ها (واستونک‌ها) در منطقه‌های مختلف ایران به لهجه و گویش‌های خاص سروده می‌شود. «تلفظ واژه‌های یک زبان، به شیوه خاص یک منطقه لهجه گویند» (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه). لهجه به «شیوه تلفظ سخن‌گو اشاره دارد به گونه‌ای که به لحاظ آوایی یا واجی متفاوت از گونه‌های دیگر است» (دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

۳ - ۴. ویژگی و وجه تسمیه واستونک‌ها

سراینده واستونک‌ها افراد گمنام و بیشتر بی‌سواد و صاحب‌ذوق و هنرمندی بوده‌اند که بنا به نوع نگرش و اقلیم خاص هر منطقه و نوع آداب و رسومشان در سرایش آن‌ها از واژگان با هدفی خاص بهره برده‌اند. قدمت این نوع ادبی به قدمت تاریخ بشر برمی‌گردد. واستونک‌ها که کلامی تغزلی، ساده و صمیمی‌اند و در مدح و محسنات عروس و داماد و خانواد‌های ایشان و بستگان‌شان همراه با کف و کل از سوی خانم‌ها خوانده می‌شود از اشعار غنایی‌اند و در وجه تسمیه آن نوشته‌اند: «این کلمه از «وا»: باز، سون مخفف ستودن + «ک» تصغیر، اشعاری که با آهنگی مخصوص در موقع عروسی، در توصیف عروس و داماد می‌خوانند» (طوفان، ۱۳۹۰). همچنین، می‌توان برای معنی و ریشه واژه واستونک متوسل به دو حدس شد:

یکی آنکه شاید واستونک‌ها در اصل «آسانک» باشد. ابیات آسان و کوچکی که در عروسی‌ها خوانده شود و دیگری شاید از مصدر «واستلن» به معنی پس گرفتن، بدین معنی که یکی از واستونک‌خوانان، آواز خواننده پیش از خود را وامی‌ستاند و

آوازی همانند آواز او را واپس می‌دهد و خواننده بعدی هم‌چنان کند تا حلقه‌
واستونک‌خوانان به آخر رسد (فقیری، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

و شاید بتوان گفت که تألمات روحی و عاطفی که عروس از جدایی خانه‌پداری
داشته است این اشعار مرهمی بر نگرانی او از این جدایی و هجران بوده و دل‌کندن و
جدایی برایش آسان می‌کرده است و به این دلیل، این ادب شفاهی را آسونک گفته‌اند و
یا طبق نظر نگارندگان تحقیق نیز می‌توان حدس زد، چون آهنگ و موسیقی کلام،
آهنگی آسان و روان است و سرایش واژگان آن آنی و در لحظه صورت می‌گیرد،
آسونک گفته‌اند.

۴. بحث و بررسی

۴ - ۱. چارچوب تحقیق

بحث از ساده و مرکب بودن و نیز چندجزئی بودن واستونک‌های عامیانه شهرستان
فساست که لازم است درباره این دو مورد مباحثی ذکر شود. مبنای ارائه تعریف‌ها بر
اساس دستور ساخت‌گرای کتاب دستور زبان فارسی وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۹)
است و بر اساس آن داده‌های مقاله حاضر (واستونک‌های شهرستان فسا) مطابقت داده
می‌شود.

جمله مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است که بخشی از یک واحد بزرگ‌تر نباشد.
جمله مستقل بر دو نوع است: ساده و مرکب. جمله مستقل ساده یک فعل دارد و جمله
مستقل مرکب حداقل یک جمله وابسته دارد (همان، ۱۱). نمونه جمله‌های مستقل ساده
و مرکب، به ترتیب چنین است:

الف) هیچ عاملی به اندازه زبان فارسی در احیای ایران بعد از اسلام مؤثر نبود.

ب) دانشمندان و مکتشفان بزرگ مغرب‌زمین از کشورهای برخاسته‌اند که زبان
نیرومند داشته‌اند.

در جمله مستقل مرکب، حرف یا حرفی وجود دارند که این حروف عبارت‌اند از:
اگرچه، اگر، پس، چونکه، تا، چون، که، اما، ولی، زیرا، و، یا، و... برخی از این‌ها، حرف
ربط وابستگی هستند که در آغاز هر جمله‌ای بیایند بیانگر جمله وابسته هستند، مانند

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

اگرچه، اگر، تا، زیرا، و چون. این حرف‌ها دو یا چند جمله را به هم پیوند می‌دهند که یکی از آن جمله‌ها اصلی یا هسته است و دیگر یا دیگر جمله‌ها جزئی از جمله هسته‌اند که جمله وابسته نامیده می‌شوند (همان، ۱۱۳ - ۱۱۴). در جمله مستقل مرکب ذکرشده، «دانشمندان و مکتشفان بزرگ مغرب‌زمین از کشورهایی برخاسته‌اند»، جمله هسته و «زبان نیرومند داشته‌اند» جمله وابسته است. برخی دیگر از این حرف‌ها، حرف ربط هم‌پایگی هستند، مانند و، یا، اما، ولی، و نیز تک‌واژه‌های گسسته: هم ... هم، چه ... چه، نه ... نه، یا ... یا، حرف ربط هم‌پایگی بین جمله‌های هم‌پایه می‌آیند؛ یعنی هیچ یک از جمله‌ها جزئی از جمله دیگر نیست (همان، ۱۱۴). مثال: از کتابخانه دو کتاب گرفتم یکی را مطالعه کردم و پس دادم؛ ولی دومی را هنوز نخوانده‌ام. هر یک از جمله‌ها به تنهایی مستقل ساده است.

ارکان سازنده جمله را جزء گویند. تعداد اجزای جمله را نوع فعل موجود در جمله تعیین می‌کند، جمله ساده حداقل دو جزء و حداکثر چهار جزء دارد (همان، ۱۴). مانند: علی رفت (دو جزء).

علی کتاب‌ها را از کتابخانه گرفت (چهار جزء).

جمله‌های دوجزئی: فعل این جمله‌ها ناگذر است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز دارد (همان، ۱۱۴).

مثال: خورشید دمید؛ رضا با ناراحتی ایستاده بود.

جمله‌های سه‌جزئی: فعل این جمله‌ها گذراست و به همین دلیل در بخش گزاره این جمله‌ها یک جزء دیگر هم می‌آید که ممکن است مفعول، مسند و یا متمم باشد. این جمله‌ها بر چند نوع هستند: ۱. سه‌جزئی با مفعول، ۲. سه‌جزئی با مسند، ۳. سه‌جزئی با متمم (همان، ۱۵).

جمله‌های چهارجزئی: فعل این نوع جمله‌ها نیز گذراست. جمله‌های چهارجزئی گذرا چهار نوع هستند. ۱. چهارجزئی با مفعول و متمم؛ ۲. چهارجزئی با مفعول و مسند؛ ۳. چهارجزئی دو مفعولی؛ ۴. چهارجزئی با متمم و مسند (همان، ۱۸).

جمله‌های ذکرشده، جمله‌هایی هستند که از نهاد و گزاره تشکیل شده بودند؛ اما برخی از جمله‌ها ممکن است شرط‌های جمله‌های معمولی - که بیان شد - را نداشته

باشند. این جمله‌ها که جمله‌های استثنایی گفته می‌شوند بر سه نوع هستند:
۱. جمله‌های بی‌فعل؛ ۲. جمله‌های بی‌نهاد؛ ۳. جمله با فعل یک شناسه (همان، ۲۳).
۱. جمله‌های بی‌فعل: این جمله‌ها بر سه نوع هستند: الف) یک‌جزئی، ب)
دو‌جزئی، و ج) سه‌جزئی.

الف) جمله‌های یک‌جزئی بی‌فعل: واژه‌هایی هستند که گاهی به‌تنهایی کار یک جمله را انجام می‌دهند. این نوع جمله‌ها بر دو نوع هستند: صوت و غیرصوت (همان، ۲۳).
صوت واژه‌ای است که در جایگاه نهاد، مفعول، متمم و ... قرار نمی‌گیرد و از موقعیت و نحوه بیان یا وجود قرینه می‌توان به معنای آن پی برد. صوت‌ها در موقعیت‌های مختلف از جمله شگفتی، خشم، تنفر، تمسخر و ... به‌کار می‌روند که عبارت‌اند از: به به، آه، آخ، وای، اوه، و... (همان، ۲۳ - ۲۴). غیرصوت واژه‌ای معمولی است که کار یک جمله را انجام می‌دهد مانند سلام، خداحافظ، آهسته و... همچنین، منادا چه با نقش‌نمای ندا و چه بدون آن (با انتقال تکیه از هجای آخر به هجای اول) جمله یک‌جزئی محسوب می‌شود، مانند ای خدای بزرگ، بهمن، کجا رفته بودی (همان، ۲۴).

ب) جمله‌های دو‌جزئی بی‌فعل: این نوع جمله‌ها از دو گروه اسمی تشکیل می‌شوند و گزاره آن‌ها بدون فعل می‌آید و از آنجا که این جمله‌ها در فارسی امروز بدون فعل به‌کار می‌روند و حتی افزودن فعل به بعضی از آن‌ها معمولاً غیرعادی است دو‌جزئی به‌شمار می‌آیند، مانند: عید مبارک، مرحمت زیاد، و شب خوش (همان، ۲۴).
ج) جمله‌های سه‌جزئی بی‌فعل مانند زندگی یعنی عقیده، کار یعنی خلاقیت و سازندگی. این جمله‌ها هم فعل ندارند؛ اما معادل جمله‌هایی هستند که آورده می‌شود: زندگی عقیده است، کار خلاقیت و سازندگی است. واژه یعنی کار فعل را انجام می‌دهد.

۴ - ۲. بررسی واستونک‌ها

در تحقیق حاضر ۱۲۷ واستونک محلی شهرستان فسا بررسی شده است که تعداد ۵۲۰ جمله از این تعداد واستونک استخراج شد. به‌دلیل طولانی‌شدن مقاله همه واستونک‌های

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علیمرادی و همکار

تحلیل شده ارائه نمی‌شود؛ بلکه تنها به ذکر معدودی اکتفا خواهد شد، در زمینه ارائه آمار همه ۱۲۷ واستونک مدنظر است.

۱. اومدیم شهر شما تا در بریم رسم شما یه جوون عاشق شده، بر چشم و ابروی شما
'umadim šahr-e šomâ tâ darbarem rasm-e šomâ/ ye javun 'âšeq šode bar
češm-o-'abruye šomâ
برگردان: ما به شهر شما آمدیم تا رسم شما را دربریم؛ زیرا یک جوان عاشق چشم و
ابروی شما شده است.

اومدیم: آمدیم؛ در بریم: در ببریم؛ جوون: جوان.
- مصراع اول از یک جمله مرکب با حرف ربط وابسته‌ساز «تا» تشکیل شده و مصراع
دوم نیز وابسته دوم جمله مرکب مصراع اول است که با حذف حرف ربط وابسته‌ساز
«زیرا» به آن وابسته شده است.

جمله اول مصراع اول، دوجزئی (فعل آمدیم به متمم فعلی نیاز ندارد، «به شهر شما»
متمم قیدی است). جمله دوم آن سه‌جزئی با مفعول است. جمله مصراع دوم، سه‌جزئی
با مسند است (جمله به‌صورت، یک جوان عاشق چشم و ابروی شما شده است).

۲. باله‌خونی رو به قبله، خشت و نیم خشتش طلا
هر زنی که کل نزنه، واگذارش با خدا
Bâlexuney rubeqeble, xešt-o-nimxešteš talâ/ har zani ke kel nazane, vâgozâreš
bâ xodâ
برگردان: خشت و نیم‌خشت بالاخانه رو به قبله، از طلاست. واگذارش به خدا باشد،
هر زنی که کل نزند.

باله‌خونه: بالاخانه؛ اتاقی در طبقه دوم عمارت؛ کل: هلهله شادی که زنان در مراسم
عروسی و شادی، به‌صورت تکی یا دست‌جمعی سر می‌دهند.
- مصراع اول از یک جمله مستقل ساده و مصراع دوم از یک جمله مرکب، با یک
هسته و یک وابسته با حرف ربط وابسته‌ساز «هر که» تشکیل شده است.

- جملهٔ مصراع اول، سه‌جزئی با مسند، جملهٔ اول مصراع دوم سه‌جزئی با مفعول و جملهٔ دوم آن، سه‌جزئی با مسند است. جملهٔ آخر به صورت «واگذار او به خدا باشد» است.

۳. بوآی دوماد قسم خورده، غوچ گله می‌شم چه بکشم، چه نکشم، جور لشکر می‌کشم
bowây dumâd qasam xorde yuč-e galle mikošam/ če bokošam, če nakošam, jur-e laškar mikašam

برگردان: بابای داماد قسم خورده است که فوج گله را می‌کشم و چه بکشم چه نکشم؛ جور لشکر را می‌کشم.

بوآ: بابا؛ دوماد: داماد؛ غوچ: فوج؛ جور: در اینجا، خرج و مخارج عروسی.

- مصراع اول از یک جملهٔ مرکب، با حذف حرف ربط وابسته‌ساز «که» تشکیل شده است (جملهٔ اول هسته و جملهٔ دوم، وابسته). در مصراع دوم، دو جملهٔ اول، هم‌پایگی برای رساندن تساوی، بین دو جملهٔ التزامی (چه بکشم، چه نکشم) است و این دو جمله به‌نوعی توضیحی و معترضه به‌شمار می‌آید و قابل حذف است و جملهٔ بعدی، هم‌پایه با جملهٔ مرکب مصراع اول است.

- جملهٔ اول و دوم سه‌جزئی با مفعول است (قسم، قابل گسترش به قسم سخت، قسم زیاد، این قسم و... است و مفعول جمله است). جملهٔ سوم و چهارم سه‌جزئی با مفعول محذوف (فوج را) و جملهٔ پنجم سه‌جزئی با مفعول است.

۴. چشم عروس چون ستاره، ابروهاش چون دم ماهه خیر ببینی بوآی عروس این گلز خونت درآر

Češm-e 'arus čon setâre, 'bruhâš čon dom-e mâh / xer bebini bowâey 'arus i golaz xonat darâr

برگردان: چشم عروس مانند ستاره و ابروانش چون دم ماه (انتهای باریک هلال ماه) است. بابای عروس خیر ببینی، این گل را از خانه‌ات بیرون بیاور.

بوآ: بابا؛ درآر: دریاور؛ گل: استعاره از عروس خانم.

- مصراع اول از یک جملهٔ مستقل ساده و مصراع دوم از دو جملهٔ مستقل ساده تشکیل شده است.

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

- هر دو جمله مصراع اول، سه جزئی با مسند و جمله اول مصراع دوم سه جزئی با مفعول و جمله دوم آن، منادا و تک جزئی و جمله سوم آن، سه جزئی با مفعول است (عبارت «از خانه‌ات» متمم قیدی است). فعل «درآر» در معنی بیرون بیاور، فعل متعدی و نیاز به مفعول دارد.

۵. حجله بسم لای لای، حجله وا کردم لای لای

حجله تنگ و تاریکه، عروس قشنگ و باریکه

hejle basam, lây-elây, hejle vâ kardam lây-e-lây/hejle tang-o-târeke, 'arus qašang-o-bâreke

برگردان: لای لای، حجله را بستم. لای لای حجله را وا کردم. حجله تنگ و تاریک است. عروس قشنگ و باریک است.

بسم: بستم؛ لای لای: از اصوات است؛ وا: باز؛ باریک: صفت در معنی خوش اندام.

- مصراع اول از چهار جمله که دو جمله آن صوت لای لای است و دو جمله مستقل ساده دیگر و مصراع دوم از دو جمله مستقل ساده تشکیل شده است.

- جمله اول مصراع اول، سه جزئی با مفعول و جمله دوم صوت (جمله استثنایی) و یک جزئی، جمله سوم سه جزئی با مفعول و جمله چهارم باز صوت و یک جزئی است. هر دو جمله در مصراع دوم سه جزئی با مسند است.

۶. خوارشوهر خودش خوبه، مادرشوهر خودش خوبه

خانم عروس خوبی بکن، بری بعدزیت خوبه

xâršuhar xodeš xube, mâdaršuhar xodeš xube /xânôm 'arus xubi bokon, barey ba'dazet xube

برگردان: خواهرشوهر خودش خوب است. مادرشوهر خودش خوب است. ای عروس خانم خوبی کن؛ زیرا برای بعد از این تو خوب است.

خوار: خواهر؛ خوبه: خوب است؛ بری بعدزیت: برای بعد از این تو.

- هر دو جمله مصراع اول مستقل ساده و مصراع دوم، یک جمله مرکب با حذف حرف ربط وابسته ساز «زیرا» است.

- دو جمله مصراع اول سه جزئی با مسند و جمله اول مصراع دوم سه جزئی با مفعول (خوبی گسترش پذیر است: خوبی‌ها، این خوبی، خوبی زیاد و ... مفعول جمله است) و جمله دوم سه جزئی با مسند است.

۷. دختر خان ولایت، ما به شوهر داده‌ایم نه به مال و نه به ثروت، ما به مردش داده‌ایم
doxtar-e xân-e velâyat, mâ be šowhar dâdeim / na be mâl-o- na be servat, mâ be mardeš dâdeim
برگردان: ما دختر خان ولایت را به شوهر داده‌ایم. ما او را به مال و ثروتش ندادیم؛ بلکه او را به مردش داده‌ایم.

خان ولایت: خان روستا؛ مردش: کنایه از انسانیت، منش و اخلاق.
- مصراع اول، یک جمله مستقل ساده و مصراع دوم، هم‌پایگی دو جمله مستقل ساده، با حذف حرف هم‌پایه‌ساز «بلکه» است.
- مصراع اول یک جمله چهارجزئی با مفعول و متمم است و جمله اول و دوم مصراع دوم نیز، چهارجزئی با مفعول و متمم است (ما او را نه به مال و ثروت داده‌ایم، ما او را به مردش داده‌ایم).

۸. در خونی شازدوماد آب رکنی رد میشه گچ بیارین، پل ببندین خانم عروس رد بشه
dar-e xuney šâzedumâd 'âb-e rokni rad miše/gač biyârin, pol bebandin, xânôm 'arus rad beše
برگردان: از در خانه شاهزاده داماد، آب رکنی رد می‌شود. گچ بیاورید و پل ببندید تا خانم عروس رد بشود.

خونه: خانه؛ شازدوماد: شاهزاده داماد؛ آب رکنی: آب رکناباد و در اینجا مجاز به کار رفته است، منظور جوی آب است (مجاز خاص و عام). رد می‌شه: رد می‌شود؛ بیارین: بیاورید؛ ببندین: ببندید؛ رد بشه: رد بشود.

- مصراع اول یک جمله مستقل ساده و مصراع دوم یک جمله مرکب که هسته آن از هم‌پایگی دو جمله مستقل ساده با حذف حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» به همراه یک جمله وابسته با حذف حرف ربط وابسته‌ساز «تا» تشکیل شده است.

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

- مصراع اول، یک جمله سه‌جزئی با متمم است و دو جمله اول مصراع دوم، سه‌جزئی با مفعول و جمله سوم دوجزئی است.

۹. دیرو پسین ننی دوماد دیدمش تو زرگری می‌خرید آلالی طلا بری عروس اولیش
dirupasin, naneydumâd didameš tu zargari/mixared 'allây-e talâ barey 'aruse
'avališ
برگردان: دیروز عصر، مادر داماد را در زرگری دیدم که برای عروس اولش آلالی
طلا می‌خرید.

دیرو: دیروز؛ پسین: عصر؛ زرگری: طلافروشی؛ آلالی طلا: نوعی گردنبند طلا که نام
الله بر آن حک شده باشد؛ بری: برای.

- هر دو مصراع یک جمله مستقل مرکب است که با حرف محذوف «که»
وابسته‌ساز به هم وصل شده‌اند.

- جمله مصراع اول سه‌جزئی با مفعول و جمله مصراع دوم سه‌جزئی با مفعول
است (برای «عروس اولیش» متمم قیدی است).

۱۰. کل کشی دارت خودم، آیم به دیدارت خودم هر چی از خرجت کم اومد، خرج بازارت خودم
kel kešidâret xodom , 'âyam be didâret xodom/har če 'az xarjet kam
'umad, xarj-e bâzâret xodom

برگردان: کل کشی دار تو خودم هستم و خودم به دیدارت می‌آیم. من هرچه از
خرجت کم‌آمد، خودم خرج بازارت را می‌دهم.
کل: هلهله شادی، بانگ شادی برآوردن در مراسم عروسی.

مصراع اول هم‌پایگی بین دو جمله مستقل ساده که با حرف ربط «و» محذوف به
یکدیگر وصل شده‌اند و مصراع دوم، از یک جمله مرکب، با پیوند وابستگی «هرچه که»
تشکیل شده، جمله اول وابسته و جمله دوم، هسته است.

- جمله اول مصراع اول، سه‌جزئی با مسند، جمله دوم آن، سه‌جزئی با متمم و
جمله اول مصراع دوم، سه‌جزئی با متمم و جمله دوم آن، سه‌جزئی با مفعول (من
خودم خرج بازارت را می‌دهم) است.

۱۱. کی به حجله، کی به حجله، شازدوماد با زنش

کی بگرده دور حجله، خواهر کوچیکترش

ki be hejle, ki be hejle, šâzedumâd bâ zaneš/ki begared dur-e hejle xâhar-e kučiktareš

برگردان: کی به حجله است؟ کی به حجله است؟ شازده داماد با زنش به حجله

است. کی دور حجله بگردد؟ خواهر کوچکترش دور حجله بگردد.

شازدوماد: شاهزاده داماد؛ بگرده: بگردد.

- مصراع اول از سه جمله مستقل ساده و مصراع دوم از دو جمله مستقل ساده

تشکیل شده است.

- دو جمله اول مصراع اول (که جمله دوم تکرار است) سه جزئی با مسند و جمله

سوم آن سه جزئی با مسند است. دو جمله مصراع دوم سه جزئی با مسند است.

۱۲. گل گرونه، ای دوماد، گلدون گرونه، ای دوماد قدرخانمت بدون، که زن گرونه، ای دوماد

gol gerune i dumâd, goldun gerune i dumâd/qadr-e xânomet bedun, ke zan gerune i dumâd

برگردان: ای داماد! گل گران است و ای داماد، گلدان گران است. ای داماد! قدر

خانمت را بدان؛ چون زن گران است.

گرونه: گرون است؛ گل و گلدان: استعاره از وجود عروس خانم؛ گرونه: گران است.

- مصراع اول از دو جمله استثنایی (ندایی) و هم‌پایگی دو جمله مستقل ساده، با

حذف حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» تشکیل شده است و جمله مصراع دوم یک جمله

مرکب با حرف ربط وابسته‌ساز «که» در معنی «چون» به همراه یک جمله ندایی تشکیل

شده است.

- ای داماد در مصراع اول منادا و جمله یک جزئی است و مابقی جمله سه جزئی با

مسند است. جمله اول در مصراع دوم، سه جزئی با مفعول، جمله دوم سه جزئی با مسند

و باز ای داماد منادا، جمله یک جزئی به‌شمار می‌آید.

۱۳. ما همه سوری دومادیم، جوراب شیشه پامون زن بری دوماد گرفتیم مژ ماه آسمون

mâ hame suri dumâdim, jurâb-e šîše pâmun/zan barey dumâd gereftem, mes mâh-e 'âsemun

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علمیرادی و همکار

برگردان: ما همه سوری داماد هستیم، جوراب شیشه‌ای به پا داریم و زنی مانند ما
آسمان را برای داماد گرفته‌ایم.
سوری: بستگان؛ بری: برای؛ دواماد: داماد؛ جوراب شیشه: جوراب بسیار نازک؛ مٹ:
مثل، آسمون: آسمان.

- کل بیت از سه جمله مستقل ساده تشکیل شده است که با حرف هم‌پایه‌ساز
محدوف «و» به یکدیگر هم‌پایه شده‌اند.
- جمله اول مصراع اول سه‌جزئی با مسند و جمله دوم مصراع اول چهارجزئی با
مفعول و متمم و جمله سوم مصراع دوم نیز چهارجزئی با مفعول و متمم است.

۱۴. ننی دواماد ننی دواماد، پشت کفش مخمله ای عروسی که گرفتی، با پسند خودته
naneydumâd, naneydumâd, pošt-e kafšet maxmale/ i 'arusi ke gerefty bâ
pasand-e xodete
برگردان: ای ننه داماد پشت کفش تو از مخمل است و این عروسی که گرفتی، پسند
خودت است.

ننی دواماد: مادر داماد؛ مخمله: مخمل است؛ خودته: خودت است.
- کل بیت، علاوه بر دو جمله استثنایی (منادا)، هم‌پایگی بین دو جمله مستقل
ساده در مصراع اول و دوم با حذف حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» است.
- جمله اول و دوم مصراع اول، استثنایی، منادا و تک‌جزئی و جمله سوم آن
سه‌جزئی با مسند، جمله اول مصراع دوم نیز سه‌جزئی با مفعول و جمله بعد سه‌جزئی با
مسند است (در این جمله، این عروس به قرینه لفظی حذف شده است).

۱۵. ننی عروس گریه می‌کرد، من گلم نمی‌دم به در ننی دواماد خنده می‌کرد، مخواستی
ندیش شوهر
naney 'arus gerye mikard, man golom namidam be dar/naney dumâd xande
mikard, mexâsi nadiša šuhar
برگردان: ننه عروس گریه می‌کرد که من گلم را به در نمی‌دهم. ننه داماد خنده
می‌کرد که می‌خواستی گلت را به شوهر ندهی.

نی: مادر؛ نمی دم: نمی دهم؛ مخواسی: می خواستی؛ ندیش: او را ندهی؛ گل: استعاره از عروس.

- مصراع اول یک جمله مرکب و مصراع دوم نیز یک جمله مرکب که در هر دو، حرف ربط وابسته ساز «که» حذف شده است.

- جمله اول مصراع اول سه جزئی با مفعول، گریه مفعول و قابل گسترش به صورت: گریه‌ها، گریه زیادی و... است و جمله دوم آن سه جزئی با مفعول («به در نمی دهم» عبارت فعلی است) جمله اول مصراع دوم، سه جزئی با مفعول، خنده مفعول جمله است و جمله دوم نیز سه جزئی با مفعول که مفعول آن جمله سوم، «مخاسی ندیش شوهر» است و جمله سوم و مفعول جمله قبل چهار جزئی با مفعول و متمم است.

جدول ۱: نوع جمله و استونک

شماره و استونک	جمله ساده	جمله مرکب	توضیحات
۱		اومدیم شهر شما تا در بریم رسم شما (زیرا) یه جوون عاشق شده، بر چشم و ابروی شما	حرف ربط وابسته ساز «تا» بین جمله مرکب وجود دارد. مصراع دوم با حذف حرف ربط وابسته ساز محذوف «زیرا» به جمله مرکب مصراع اول متصل شده است.
۲	باله خونی رو به قبله، خشت و نیم خشتش طلا	هر زنی که کل نزنه واگذارش با خدا	حرف ربط «که» وابسته ساز بین دو جمله مصراع دوم وجود دارد.
۳	چه بکشم / چه نکشم / جور لشکر می کشم /	بو آی دو ماد، قسم خورده (که) قوچ گله می کشم	بین دو مصراع حرف ربط هم پایه ساز «و» و بین دو جمله مصراع اول «که» وابسته ساز به دلیل آهنگ و وزن شعر حذف شده است، تکواژ گسسته چه ... چه بین دو

جملهٔ مصراع دوم، حرف ربط هم‌پایه‌ساز است.			
بین دو جملهٔ اول مصراع اول حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» حذف است.		چشم عروس چون ستاره/ ابروهایش چون دم ماه/ خیر ببینی/ این گل از خونت درآر	۴
لای لای جملهٔ استثنایی و بی‌فعل است و بین دو جملهٔ مصراع دوم حرف ربط «و» به‌دلیل آهنگ کلام حذف است.		حججه بسم/ لای لای/ حججه وا کردم/ لای لای/ حججه تنگ و تاریکه/ عروس قشنگ و باریکه	۵
حرف ربط وابسته‌ساز «زیرا» بین دو جملهٔ مصراع دوم به‌دلیل آهنگ و وزن شعری محذوف است. خانم عروس جملهٔ ندایی و استثنایی و بدون فعل است.	خانم عروس/ خوبی بکن (زیرا) بری بعد زیت خوبه	خوارشوهر خودش خوبه/ مادرشوهر خودش خوبه	۶
تکرار حرف «نه» حرف ربط هم‌پایه‌ساز گسسته است.		دختر خان ولایت، ما به شوهر داده‌ایم/ نه به مال و نه به ثروت/ ما به مردش داده‌ایم	۷
در مصراع دوم، حرف ربط وابسته ++ س-----+++از «تا» به‌دلیل ریتم کلام حذف است.	گج بیارین، پل ببندین (تا) خانم عروس رد بشه.	در خونه شازدوماد آب‌رکنی رد میشه	۸

۹	ننه دوماذ دیرو پسین دیدمش تو زرگری (که) الای طلامی خرید بری عروس اولیش	حرف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جملهٔ مصراع اول و مصراع دوم حذف شده است.
۱۰	کل‌کشی داری خودم/ آیم به دیدارت خودم/ خرج کم اومد، خرج بازارت خودم	حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» بین دو جملهٔ مصراع اول حذف است؛ حرف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جملهٔ مصراع دوم حذف است.
۱۱	کی به حجله/ کی به حجله/ شازدوماد با زنش/ کی بگرده دور حجله/ خواهر کوچیک‌ترش	
۱۲	گل‌گرونه/ ای دوماذ/ گلدون گرونه/ ای دوماذ/ ای دوماذ	حرف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جملهٔ مرکب مصراع دوم وجود دارد. ای دوماذ جملهٔ ندایی، استثنایی و بدون فعل است.
۱۳	ما همه سوری دومادیم/ جوراب شیشه پامون/ زن بری دوماذ گرفتیم مٲ ماه آسمون	حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» در بین دو جملهٔ مصراع اول به‌دلیل ریتم و آهنگ حذف است.
۱۴	ننی دوماذ/ ننی دوماذ/ پشت کفشت مخمله ای عروسی که گرفتی با پسند خودته	جملهٔ «با پسند خودته» پایه و جملهٔ «ای عروسی که گرفتی» جملهٔ پیرو است. حرف ربط وابسته‌ساز «که» در اینجا وجود دارد. ننه دوماذ جملهٔ

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علیمرادی و همکار

استثنایی و بی فعل است.			
از فحوای کلام مشخص است، حرف وابسته‌ساز «که» بین دو جمله مصراع اول و دو جمله مصراع دوم به دلیل وزن و آهنگ شعر حذف است.	ننی عروس گریه می‌کرد (که) من گلم نمی‌دم به در/ ننی دوامد خنده می‌کرد (که) مخواسی ندیش شوهر		۱۵

از نظر تعداد اجزای جمله به صورتی است که در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲: نوع جمله واستونک

شماره واستونک	جمله تک جزئی	جمله دو جزئی	جمله سه جزئی	جمله چهار جزئی
۱		اومدیم شهر شما (دو جزئی)	تا در بریم رسم شما (سه جزئی با مفعول) یک جوان عاشق شده بر چشم و ابروی شما (سه جزئی با مسند)	
۲			باله‌خونی رو به قبله خشت و نیم‌خشتش طلا (سه جزئی با مسند) هر زنی که کل نزنه (سه جزئی با مفعول) واگذارش با خدا، در اصل واگذار او به خدا باشد (سه جزئی با مسند)	
۳			بو‌آی دوامد قسم خورده (سه جزئی با مفعول) قوچ گله می‌کشم (سه جزئی با مفعول) چه بکشم (سه جزئی با مفعول) چه	

	نکشم (سه جزئی با مفعول) جور لشکر می کشم (سه جزئی با مفعول)			
۴	بوآی عروس (منادا و تک جزئی)	چشم عروس چون ستاره (سه جزئی با مسند) ابروهایش چون دم ماه (سه جزئی با مسند) خیر ببینی (سه جزئی با مفعول) این گل از خونه درآر (سه جزئی با مفعول)		
۵	لای لای (صوت، تک جزئی) لای لای (صوت، تک جزئی)	حجله بستم (سه جزئی با مفعول) حجله وا کردم (سه جزئی با مفعول) حجله تنگ و تاریکه (سه جزئی با مسند) عروس قشنگ و باریکه (سه جزئی با مسند)		
۶	خانم عروس (ندایی، تک جزئی)	خوارشوهر خودش خوبه (سه جزئی با مسند) مادرشوهر خودش خوبه (سه جزئی با مسند) خوبی بکن (سه جزئی با مفعول) بری بعد زیت خوبه (سه جزئی با مسند)		
۷		دختر خان ولایت ما به شوهر داده ایم (چهار- جزئی با مفعول و متمم) نه به مال و		

نه به ثروت (چهارجزئی با مفعول و متمم) ما به مردش داده‌ایم (چهارجزئی با مفعول و متمم)				
	در کوچه خانم عروس آب رکنی رد می‌شه (سه‌جزئی با متمم) گچ بیارین (سه‌جزئی با مفعول) پل ببندین (سه‌جزئی با مفعول)	خانم عروس رد بشه		۸
	دیرو پسین ننی دوما دیدمش تو زرگری (سه‌جزئی با مفعول) می‌خرید الای طلا بری عروس اولیش (سه‌جزئی با مفعول)			۹
	کل‌کشیدارت خودم (سه‌جزئی با مسند) آیم به دیدارت خودم (سه‌جزئی با متمم) هرچی از خرجت کم اومد (سه‌جزئی با متمم) خرج بازاریت خودم (سه‌جزئی با مفعول)			۱۰
	کی به حجله (سه‌جزئی با مسند) کی به حجله (سه‌جزئی با مسند) شازدوماد با زنش (سه‌جزئی با مسند) کی			۱۱

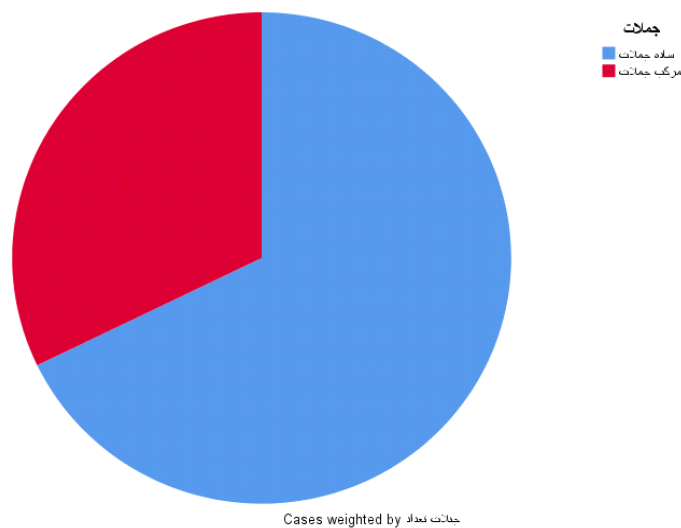
	بگرده دور حجله (سه جزئی با مسند) خواهر کوچک ترش (سه جزئی با مسند) در اصل خواهر کوچک ترش دور حجله بگردد.			
۱۲	ای دواماد (منادا و تک جزئی) ای دواماد (منادا و تک جزئی)	گل گرونه (سه جزئی با مسند) گلدون گرونه (سه جزئی با مسند) قدر خانمت بدون (سه جزئی با مفعول) زن گرونه (سه جزئی با مسند)		
۱۳		ما همه سوری دوامادیم (سه جزئی با مسند)	جوراب شیشه پامون (چهار جزئی با مفعول و متمم) زن بری دواماد گرفتیم مٹ ماه آسمون (چهار جزئی با مفعول و متمم)	
۱۴	ننی دواماد (منادا، تک جزئی) ننی دواماد (منادا، تک جزئی)	پشت کفشت مخمله سه جزئی با مسند) این عروسی که گرفتی (سه جزئی با مفعول) با پسند خودته (سه جزئی با مسند)		
۱۵		ننی عروس گریه می کرد (سه جزئی با مفعول) ننی دواماد خنده می کرد (سه جزئی با مفعول) من	می خواستی ندیش شوهر (چهار جزئی با مفعول و متمم)	

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علیمرادی و همکار

	<p>گلم نمی‌دم به‌در، به‌در نمی‌دهم عبارت فعلی و جمله به صورت (سه‌جزئی با مفعول) است.</p>			
--	--	--	--	--

۴ - ۳. بررسی آماری واستونک‌ها

در ۱۲۷ واستونک بررسی شده، درصد فراوانی جمله‌های ساده و مرکب و حروف هم‌پایه و وابسته و نیز درصد فراوانی تعداد اجزای جمله‌ها بر اساس نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. ۲۵ به‌صورتی است که آورده می‌شود:
فرضیه اول: میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت وجود دارد.

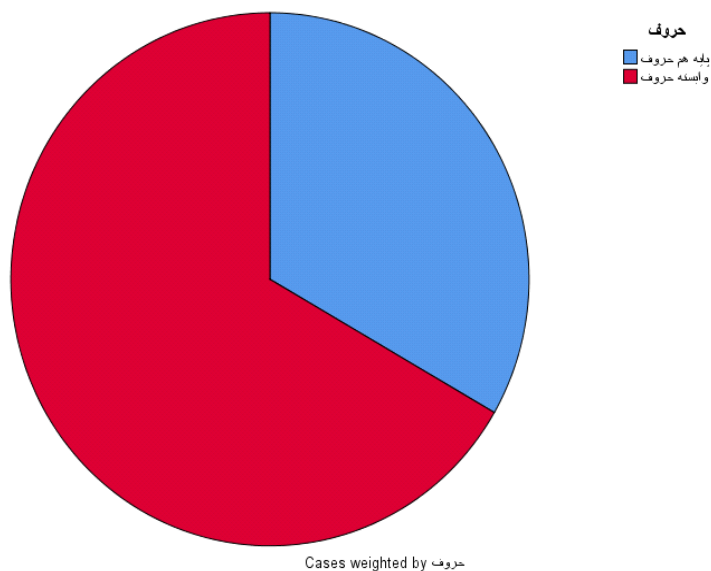


نمودار ۱: جملات ساده و مرکب

نتیجه آزمون کای دو:

$$p < 0.001, p < 0.05$$

نتیجه: میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: میان فراوانی حروف هم‌پایه و حروف وابسته تفاوت وجود دارد.



نمودار ۲: حروف هم پایه و وابسته

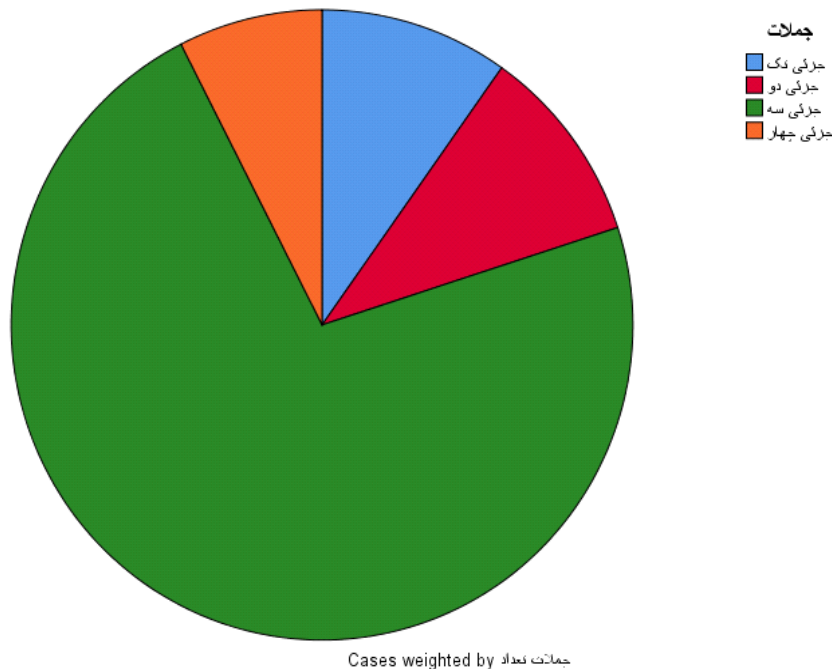
نتیجه آزمون کای دو:

$$p < 0.001, p < 0.05 >$$

نتیجه: میان فراوانی حروف هم پایه و حروف وابسته تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میان فراوانی جملات تک جزئی، دو جزئی، سه جزئی و چهار جزئی

تفاوت وجود دارد.



نمودار ۳: اجزای جمله

نتیجه آزمون کای دو:

$$p < 0.001, p < 0.05 >$$

نتیجه: میان فراوانی جمله‌های تک‌جزئی، دو‌جزئی، سه‌جزئی و چهارجزئی تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نمودار ذکر شده در واستونک‌های بررسی شده، درصد فراوانی جمله‌های ساده (۶۷/۸ درصد) بیشتر از جمله‌های مرکب (۳۲/۲ درصد) است.

نتیجه آزمون آماری با استفاده از نرم افزار اس. پی. اس. اس. ۲۵ به دست آمده، بیانگر آن است که میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت معناداری وجود دارد.

$$p < 0.001, p < 0.05 >$$

به طوری که بسامد جمله‌های ساده، بیش از جمله‌های مرکب است.

(۲۷/۴ درصد) از حروف هم‌پایه و (۷۲/۶ درصد) از حروف وابسته هستند.

نتیجه آزمون کای دو نشان‌دهنده این است که میان فراوانی حروف وابسته و حروف هم‌پایه، تفاوت معناداری وجود دارد: $p/0.05 = 0.01$, $p/0.05 >$ به گونه‌ای که فراوانی تعداد حروف وابسته‌ساز از تعداد حروف هم‌پایه‌ساز بیشتر است.

از بُعد تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهارجزئی به ترتیب با (۷۲/۵) (۷/۵) بیشترین و کم‌ترین میزان بسامد را در واستونک‌های مورد بررسی داشته‌اند. همچنین، درصد فراوانی جمله‌های تک‌جزئی و دوجزئی به ترتیب ۹/۸ درصد و ۱۰/۲ درصد است.

نتیجه آزمون آماری کای دو نشان‌دهنده این است که میان فراوانی جمله‌های سه‌جزئی و دیگر اجزای جمله‌ها تفاوت معنادار وجود دارد: $p/0.05 = 0.01$, $p/0.05 >$

به طوری که جمله‌های سه‌جزئی به طور معناداری بیشتر از جمله‌های یک‌جزئی، دوجزئی و چهارجزئی است.

با توجه به زبان و لحن ساده و اندیشه حاکم بر ادبیات عامه، همچنین، نتیجه آماری ذکرشده، چنین به نظر می‌رسد بسامد بالای جمله‌های ساده به نسبت مرکب، دلیل بر فهم بهتر، آسانتر و زیباتر بودن کلام از نظر مخاطب و سلاست و روانی آن است؛ همچنین، دلیل برتری تعداد جمله‌های سه‌جزئی به دیگر اجزای جمله‌ها، بر این امر دلالت دارد که ذهن شنونده را برای رسیدن به هدف و رسالتی که این‌گونه از ادبیات عامه در فرهنگ مردمان از گذشته‌های دور تاکنون داشته، نزدیک‌تر می‌سازد و بر تمرکز و تفکر آن می‌افزاید. هدف و رسالت این‌گونه از ترانه‌ها، سازش‌پذیری، کنار آمدن با مشکلات زندگی، تحمل و شکیبایی، شادکامی از زندگی و... است.

۵. نتیجه

واستونک‌ها جزئی از بوم‌سروده‌ها و ادبیات شفاهی در فرهنگ مردمان هر منطقه از کشور است که جزء ادب غنایی است. ترانه‌های ساده و بی‌پیرایه‌ای که با توده مردم سروکار دارد و پر از احساس و عواطف و خیال‌پردازی‌هایی که از نوع جمله‌های

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علیمزادی و همکار

تشکیل‌دهنده آن آشکار است. بررسی تعداد ۱۲۷ واستونک در فرهنگ مردم شهرستان فسا از بعد ساختار و توجه به نحو جمله‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و تعداد اجزای آن‌ها بر اساس آزمون آماری کای دو، نشان داد، بسامد تعداد جمله‌های ساده به تعداد ۲۱۷ (۶۷/۸ درصد) به‌طور معناداری بیشتر از جمله‌های مرکب به تعداد ۱۰۳ (۳۲/۲ درصد) است. از بُعد تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهارجزئی به ترتیب با ۷۲/۵ درصد و ۵/۷ درصد بیشترین و کم‌ترین میزان بسامد را در جمله‌های چندجزئی واستونک‌های مورد بررسی داشته‌اند. در جمله‌های یک‌جزئی به تعداد ۵۱ جمله (۹/۸ درصد)، در ۴۱ مورد (۸۰/۴۰ درصد) جمله‌های ندایی و در ۱۰ مورد (۱۹/۶۰ درصد) صوت به‌کار رفته‌اند. منادای جمله‌های تک‌جزئی همچون «ننی عروس، ننی دوما، شازدوما، سوریا، بوآی عروس، ای حمومی» و صوت‌ها همچون «لای لای، آی بله، بله» در ساختار جمله‌ها قرار گرفته‌اند.

در جمله‌های دوجزئی به تعداد ۵۳ جمله (۲/۱۰ درصد)، ۴۹ جمله (۹۲/۴۶ درصد)، جمله‌های عادی و تعداد ۴ جمله (۷/۵۴ درصد)، جمله‌های استثنایی بدون فعل همچون: خوش‌به‌حال شازدوما، شکر خدا، دس مریزاد، ای ماشالا شازدوما است.

از تعداد ۳۷۷ (۷۲/۵ درصد) جمله سه‌جزئی در واستونک‌های یادشده، سهم جمله‌های سه‌جزئی با مسند به تعداد ۱۶۰ جمله (۴۴/۴۰ درصد)، سه‌جزئی با مفعول به تعداد ۱۹۰ جمله (۴۰/۵۰ درصد) و سه‌جزئی با متمم به تعداد ۲۷ جمله (۱۵/۱ درصد) است. همچنین، از مجموع ۳۹ جمله چهارجزئی که ۵/۷ درصد از کل جمله‌های واستونک‌ها را شامل است، جمله‌های چهارجزئی با مفعول و متمم به تعداد ۳۳ جمله (۸۴/۶۱ درصد)، چهارجزئی با مفعول و مسند به تعداد ۳ جمله (۷/۷۰ درصد)، چهارجزئی با متمم و مسند به تعداد ۲ جمله (۵/۱۲ درصد) و دو مفعولی به تعداد یک جمله (۲/۵۷ درصد) را داراست. همچنین، بسامد حروف وابسته‌ساز در جمله‌های مرکب به تعداد ۷۷ (۷۲/۶ درصد)، بیشتر از حروف هم‌پایه‌ساز به تعداد ۲۹ (۲۷/۴ درصد) است.

درانتها، باید یادآور شد، درصد بالای جمله‌های سه‌جزئی، در اشعار سرور (واستونک‌ها) از آنجاست که این گونه ادب عامه از دل یک فرد ساده و عامی برای بیان

احساسات قلبی و ابراز مفاهیم شادی، غم، احترام، تفاخر و... برآمده است، هم غم را القا می‌کند، همچون گریه مادر عروس یا جدایی دختر از خانه پدری (ننی عروس گریه می‌کرد، کاشکی نمی‌رفتم به در)؛ هم شادی را افزون می‌دارد (خانم عروس چون ستاره)؛ هم احترام و عزت عروس و داماد را (گچ بیارین پل ببندین)؛ هم تفاخر (ننی عروس پشت کفشش مخمله)؛ حتی رجزخوانی خانواده‌ها برای یکدیگر (قوچ گله می‌کشم، جور لشکر می‌کشم)؛ یا تعریف از مادر عروس و داماد (دس ای مادر مریزاد) را در بردارد. بنابراین، با توجه به این مفاهیم در واستونک‌ها، به نظر می‌رسد کلام ساده و پرشور و شغف خود را نه بسیار موجز و نه بسیار طولانی (نه یک‌جزئی و دوجزئی و نه چهارجزئی)؛ بلکه بیشتر در قالب جمله‌های سه‌جزئی، بیان می‌دارند تا ادای این گونه مفاهیم بهتر صورت پذیرد و دیگر اینکه سرودن واستونک‌ها در ارکان سه‌جزئی، برای تکرار و جای‌گیری و درک بهتر مطلب در ذهن مخاطب است.

منابع

الف) کتاب:

- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۰). «سنت و نوآوری در فرهنگ عامه ایران». *زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۲. صص ۲۳۳ - ۲۴۸.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن‌ها*. تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات.
- خالقی‌زاده، محمدهادی (۱۳۹۰). «ترانه‌های کودکان و ادبیات محلی شیراز». *مجموعه مقالات همایش ملی ادب محلی و محلی‌سرایان ایران زمین*. صص ۲۴۹ - ۲۵۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش، لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». *ادب پژوهی*. ش ۵. صص ۹۱ - ۱۲۸.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمربشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». *ادب پژوهی*. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۰ - ۱۷۰.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
- طاهره، فاطمه (۱۳۸۱). *ترانه‌های زندگی زنان*. تهران: ثالث.
- طوفان، جلال (۱۳۸۱). *شهرستان جهرم*. شیراز: کوشا مهر.

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا _____ مریم علیمرادی و همکار

- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۱). «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی». *نامه فرهنگ*. ش ۳۹. صص ۱۴۷ - ۱۵۰.

- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *سیری در ترانه‌های محلی*. شیراز: نوید.

- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. به‌کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.

- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

- وحیدیان کامیار، تقی و رضا عمرانی (۱۳۸۹). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سمت.

- هدایت، صادق (۱۳۹۴). *نوشته‌های پراکنده*. تهران: ثالث.

- همایونی، صادق (۱۳۷۹). *ترانه‌های محلی فارس*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

- _____ (۱۳۵۶). *ترانه‌های جنوب*. بی‌جا: اداره فرهنگ عامه.

(ب) منابع شفاهی (مصاحبه‌شوندگان):

- شیرین نصیر، ۸۰ ساله.

- اقدس علیزادگان، ۷۲ ساله.

- زهرا بیگم علیمرادی، ۷۵ ساله.

- ثریا قلی‌زاده، ۶۵ ساله.

- صغری رهنورد، ۶۹ ساله.

- منیژه علیمرادی، ۶۹ ساله.

- معصومه غزنوی، ۵۲ ساله.

- مرضیه جهانگیرنژاد، ۵۰ ساله.

Sentence Components in a Selected Wastunks of Fasa City

Maryam Alimoradi¹ * Behjat Najibi Fini²

1. Faculty member of Islamic Azad University of Bandarabas.
2. Lecturer at Payam Nour University of Bandarabas

Received: 14/12/2019

Accepted: 17/04/2020

Abstract

Folk literature, or oral literature, is the forerunner of the written literature. Its orators were pure and reliable people who were not much literature. These folklores stayed with us through their transfer between generations. Part of the folk and oral literature is the "wedding songs" labelled differently in various parts of the country. In Fasa county, this type of literature is known as "Astunk or Wastunak". The present article examines the syntactic structure of this type of oral literature in terms of the type and components of the sentences in popular culture. To this aim, through field study and interview with older and preferably illiterate women, 127 Wastunaks from the folk culture of Fasa were collected and transcribed. They were, then, analyzed syntactically (type and components of the sentence). The data was fed into SPSS 25. The results show that the frequency of the simple sentences is more than the compound ones and in most compound sentences, the subordinates are omitted for the rhythm of the poems. Finally, the three-part and four-part sentences had the highest and lowest frequencies in the Wastunak, respectively.

Keywords: Folk literature; Fasa; Wastonak; type and sentence components.

*Corresponding Author's E-mail: b12alimoradi@yahoo.com.